



## Investigating the Effect of Differences in Recitations (Qira'at) on Interpretational Comprehension of Al-Mizan\*

Sohrab Morovati<sup>۱</sup>

Masoomah Rahimi<sup>۲</sup>

### Abstract:

Correct interpretation of Quranic verses has been considered as one of the necessities of Islamic society throughout the history of Islam till now. One of the important prerequisites in interpreting the verses is having the correct recitation narrated by the Prophet (PBUH). The commentators of the Holy Quran have taken different approaches to the issue of differences in recitation. One of the most important of these approaches is to critique the popular recitation and choose the correct recitation from among the various recitations. Allama Tabatabai is one of the commentators who have interpreted the verses of the Quran with this insight. The current research with descriptive-analytical approach deals with investigating Allama's viewpoint concerning the differences in recitations and its effect on interpretational comprehension in Al-Mizan. In the face of the problem of differences in recitations in a different way, sometimes he prefers the popular recitation sometimes according to different criteria such as the context of the verses, avoidance of grammatical extra-strict, the necessity of the meaning of nature, compliance with the Islamic obvious ruling, compliance with rational arguments and so forth, he prefers the unusual recitation and sometimes, despite pointing out the difference in recitations, he refused to prefer one over the other. Explaining his criteria and patterns in the critique and preference of recitations, as well as the analysis of recitations that have been mentioned without a preferred reason, is one of the most important topics of this research of the present study.

**Keywords:** Recitation (Qira't), Allama Tabatabai, Tafsir al-Mizan, Difference in Recitations, Argumentation of Recitations.

---

\*. Date of receiving: ۲۶, May, ۲۰۲۰ - Date of approval: ۲۹, September, ۲۰۲۱.

<sup>۱</sup>- Full Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ilam University, Iran:

(Corresponding Author) s.morovati@ilam.ac.ir

<sup>۲</sup>- Ph.D. Candidate in Theology (Orientation in Quranic and Hadith Sciences), Theology

Department, Ilam University, Iran: masumrahimi<sup>۱</sup>@gmail.com



## بررسی تأثیر اختلاف قرائات در برداشتهای تفسیری المیزان\*

سهراب مروتی<sup>۱</sup> - معصومه رحیمی<sup>۲</sup>

### چکیده

تفسیر صحیح آیات قرآن، در طول تاریخ اسلام تابه‌حال، یکی از ضرورت‌های جامعه اسلامی محسوب می‌شده است. از پیش‌نیازهای مهم در تفسیر آیات، در اختیار داشتن قرائت صحیح ابلاغ شده از سوی پیامبر ﷺ است. مفسران قرآن کریم در مسئله اختلاف قرائات، رویکردهای متفاوتی را دنبال کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین این رویکردها، نقد و بررسی قرائت رایج و انتخاب قرائت صحیح از میان قرائات مختلف است. علامه طباطبایی از جمله مفسرانی است که با این بینش به تفسیر آیات قرآن پرداخته است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی به واکاوی دیدگاه علامه در مسئله اختلاف قرائات و نیز تأثیر آن در برداشتهای تفسیری المیزان پرداخته است. ایشان در مواجهه با مسئله اختلاف قرائات، با روشی متفاوت، گاهی قرائت رایج را ترجیح، گاهی با توجه به معیارهای مختلف از جمله سیاق آیات، دوری از تکلفات دستوری، اقتضای طبع المعنی، تطابق با حکم مسلم اسلامی، تطابق با براهین عقلی و... قرائت غیر متداول را ترجیح و گاهی با وجود مطرح نمودن اختلاف قرائات، از ترجیح یکی بر دیگری خودداری نموده است. تبیین معیارها و الگوهای وی در نقد و ترجیح قرائات و همچنین تحلیل قرائاتی که بدون دلیل ارجح ذکر شده‌اند، از مهم‌ترین مباحث این پژوهش است.

واژگان کلیدی: قرائت، علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، اختلاف قرائات، احتجاج قرائات.

\*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۶ و تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۷/۷.

<sup>۱</sup> - استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام، ایران (نویسنده مسئول)؛ s.morovati@ilam.ac.ir

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری رشته الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات، دانشگاه ایلام، ایران؛ masumrahimi15@gmail.com



## مقدمه

یکی از مباحث مهم قرآن پژوهی که هم صبغه علمی دارد و هم جنبه عملی، بحث قرائات قرآن است که از دیرباز در کانون توجه دانشمندان علوم قرآن و مفسران بوده است، به گونه ای که تنها از سال ۱۵۰ تا ۳۰۰ هجری بیش از شصت عنوان کتاب در قرائات نگاشته شده است (فاکر میبیدی، اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۳).

عبدالهادی فضلی، سیزدهمین مرحله از مراحل تکامل علم قرائت را مرحله احتجاج در اختلاف قرائات ذکر نموده که کتاب ابن مجاهد مبدأ و آغازی برای نگارش های بعدی در این زمینه شد (فضلی، القراءات القرآنیة، ۱۴۰۵: ۴۱). از مهم ترین مؤلفان آثار این دوره می توان به ابن مقسم عطار (د ۳۳۲ق) نویسنده کتاب (الحجة للقراء السبعة)، سید محمدبن حسن انصاری (د ۳۵۱ق)، مؤلف اثر (السبعة بعللها الکبیر) و ابن خالویه، (د ۳۷۰ق) صاحب کتاب (الحجة فی علل القرائات السبع) اشاره کرد (ابن ندیم، الفهرست، بی تا: ۳۵). در آثار متقدم فریقین نیز در زیر برخی آیات، مباحثی در زمینه احتجاج قرائات مطرح گردیده. مانند تفسیر طبری (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱/ ۵۰: ۹۱/۴)؛ و نیز طبرسی در تفسیر مجمع البیان که مباحث مربوط به این موضوع را با عنوان (الحجة) در جاهای مختلفی مطرح نموده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۶: ۱/ ۱۳۳)؛ و نیز شیخ طوسی که مباحثی با عنوان «القراءة» در تفسیرش بسیار دیده می شود (طوسی، التبیان، بی تا: ۱/ ۲۳۲، ۷۴، ۳۳).

از جمله نوشتارهایی که اختلاف قرائات در تفسیر را مورد بررسی قرار داده اند، می توان به تحلیل وجوه تفسیری آیات قرآن بر اساس اختلاف قرائت در تفاسیر (ستوده نیا، طبقه بندی و تحلیل آراء فقیهان شیعه در حوزه اختلاف قرائات، ۱۳۹۶)؛ اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر، اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبایی (فاکر میبیدی، اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۳)؛ تأثیر اختلاف قرائات در تفسیر مجمع البیان (اکبرنژاد، بررسی تأثیر اختلاف قرائات در برداشت های تفسیری مجمع البیان، ۱۳۹۲)؛ اشاره نمود. البته در این میان، جای پژوهشی مستقل در این زمینه که اهمیت اختلاف قرائات در تفسیر را به طور جامع و گسترده مورد بررسی قرار داده باشد، خالی است.



از طرفی گرایش‌های مختلف مفسران در برداشت از قرآن و توجه به شیوه‌های مختلف تفسیری و اختلاف‌ها و اشتباهات آنان، همگی حاکی از آن است که هرکس بخواهد به تفسیر قرآن و فهم مراد خدای متعال از آن پردازد، نیازمند آن است که قواعد متقنی را بر مبنای بدیهیات عقلی و قطعیات و مسلمات شرعی و ارتکازات عقلایی، برای برداشت از قرآن شناسایی کند، تا در مهلکه استحسان و برداشت بی ملأ از قرآن نیفتد و با تقلیل خطاها به مراد واقعی خدای متعال نزدیک‌تر شود. و در پرتو تبیین دقیق این قواعد، هم تفاسیر موجود را محک زده و صحت و وسقم برداشت‌های موجود در آن را بازشناسد و هم مبنای مناسبی برای تفسیر صحیح فراهم آورد (همان: ۲).

ذکر این نکته حائز اهمیت است که توجه به قرائت درست و کیفیت ادای آن، برای ارائه تفسیری صحیح از قرآن کریم، از آن جهت لازم و ضروری است که گاهی اوقات به واسطه قرائت‌های متعدد از یک آیه، برخی از وجوه و معانی احتمالی، بر برخی دیگر، ترجیح می‌یابند. گاهی اوقات نیز توسط همین اختلاف قرائت‌ها، معنی آیه، آشکار و واضح‌تر می‌گردد. بنابراین و به‌طور کلی، نقش اختلاف قرائت‌ها در تفسیر را می‌توان در "ارائه کردن بیش از یک معنی برای لفظ و یا آیه" خلاصه نمود (متولی، أضواء علی مناهج بعض المفسرین من زوایا علوم القرآن، ۱۴۲۰ ق: ۴۱).

تفسیر شریف المیزان، اثر ماندگار علامه طباطبایی، به‌عنوان یکی از ممتازترین تفاسیر اثرگذار در قرن معاصر از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که حاکی از دانش‌های نوین مؤلف آن در ابعاد گوناگون علمی و فلسفی است. علامه در این تفسیر بر اهتمام جدی بر بازشناسی قرائات صحیح و اجتناب از برخورد تقلیدی یا سهل‌انگارانه در مسئله اختلاف قرائات تأکید دارد. نفس مواجهه علامه با مسئله اختلاف قرائات هرچند به‌صورت محدود و اندک است، ولی این موضوع خود بر جامعیت این تفسیر می‌افزاید و شباهت این تفسیر را با تفاسیری چون التبیان و مجمع البیان از حیث مواجهه استدلالی با اختلاف قرائات نشان می‌دهد (دیمه‌کار گراب و ایروانی نجفی، روش علامه طباطبایی در مواجهه با اختلاف قرائات در المیزان، ۱۳۹۴: ۵۴). با توجه به جایگاه علمی این تفسیر و ابتکارهای علامه در آن، روش مواجهه وی با اختلاف قرائات و بررسی و تبیین ملاک‌های وی در نقد و یا ترجیح قرائات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. که در این نوشتار موارد و شواهد قرائت در تفسیر المیزان با دقت فراوان جمع‌آوری و در سه محور ترجیح قرائت رایج، ترجیح قرائت غیرمتداول و عدم ترجیح قرائات موردبررسی قرار گرفته است.

بر این مبنا پژوهش حاضر بر آن است که موضوعات مختلف تفسیری را که به‌نوعی متأثر از





اختلاف قرائت در تفسیر المیزان است، مورد بررسی قرار دهد، تا شیوه تأثیرپذیری این مفسر از قرائات مختلف مشخص گردد.

## ۱. رویکرد مفسران در مسئله اختلاف قرائات

از آنجایی که یکی از مهم‌ترین مبادی قواعد تفسیری، بحث اختلاف قرائات‌ها و شناخت قرائت واقعی قرآن کریم است (رجبی، روش تفسیر قرآن، ۱۳۸۳: ۴). مفسران در برخورد با مسئله اختلاف قرائات سه رویکرد اساسی را برگزیده‌اند که به شرح زیر است:

### تواتر قرائت رایج و انحصار حجیت در این قرائت (حفص از عاصم):

گروهی از مفسران معتقدند که تنها قرائت معتبر در میان مسلمانان، همان قرائت رایج (حفص از عاصم) است. آیت‌الله معرفت در این باره می‌گوید: قرائت رایج کنونی، همان قرائتی است که در میان مسلمانان صدر اسلام رایج بوده است. وی قرائت عاصم به روایت حفص را منطبق بر قرائت مشهور میان مسلمانان می‌داند، زیرا عاصم این قرائت را به واسطه سلمی از امام علی علیه السلام اخذ کرده و قرائت آن حضرت نیز همان قرائت عامه مسلمانان بوده است. همچنین ایشان معتقد است که اختلاف قرائات در طول تاریخ، از جهت ماده، صورت و اعراب، خللی به قرائت اصلی قرآن وارد نکرده است. از این رو در تفسیر اثری جامع خود نیز بر قرائت رایج کنونی، یعنی قرائت عاصم به روایت حفص پایبند است (بهجت‌پور، تبیین روش مند و علمی بودن بی‌تأثیری اختلاف قرائات بر تحریف قرآن، ۱۳۹۸: ۲۶۲).

«قرآن کریم از جهت ماده، صورت و قرائت، به یک صورت و بدون اختلاف، به نحو تواتر در میان عامه مسلمانان و از نسلی به نسل دیگر منتقل شد و اختلاف قاریان و روایاتی که در جوامع روایی از ائمه علیهم السلام و صحابه درباره قرائت برخی کلمات قرآن وارد شده، هیچ تأثیری در این نقل واحد متواتر نداشته است. بله، تنها در کلماتی معدود که در برخی مصاحف عثمانی به صورت متفاوت نگارش یافته‌اند، مانند زیاد شدن الف بین شین و یاء در (لِشَىء) (کهف/ ۲۳) اختلاف در قرائت راه پیدا کرد.» (بلاغی نجفی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۰: ۱/ ۲۹).

طبق این مبنا، نزول قرآن بر اساس قرائت واحد بوده و اختلاف در قرائت به اختلاف راویان آن‌ها بازمی‌گردد. بنابراین، قرائت قرآن واحد است و آن همان قرائتی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده و در بین عموم مسلمانان به (قراءة عامه) یا (عامه القرآن) شهرت دارد. و مصحف نگاران به هنگام



نگارش کلمات قرآن بر طبق آن عمل نموده‌اند و مُقرِّیان نخست نیز آن را آموزش داده‌اند (مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ۱۳۹۰: ۸۶).

دست‌مایه‌های این رویکرد را می‌توان در آثار اندیشمندان دیگری مانند نویسندگان تفسیر نمونه، تفسیر نهج البیان و دیدگاه‌های آیت‌الله مرعشی جستجو کرد (بروجردی، برهان روشن، ۱۳۷۴: ۱۴۸).

### یک. اجماع در جواز عمل بر طبق قرائات متداول

برخی دیگر از فقیهان متقدم امامیه، در عین التزام به نزول قرآن بر یک قرائت، بر حجیت و اعتبار تمام قرائات متداول و اختیار مکلف در انتخاب قرائت دلخواه اجماع نموده‌اند. ایشان از تعیین یک قرائت یا تعیین یک مجموعه قرائی همچون سبع یا عشر اکراه کرده‌اند، به همین دلیل هر قرائتی که در بین قُرّاء ممنوع اعلام نشده را مجاز و موجب صحت عمل عبادی دانسته‌اند (ستوده‌نیا، طبقه‌بندی و تحلیل آراء فقیهان شیعه در حوزه اختلاف قرائات، ۱۳۹۶: ۳۹) شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق) در مقدمه تفسیر تبیان می‌گوید:

«گرایش معروف امامیه و روایات آنان از نزول قرآن بر یک قرائت حکایت دارد، درعین حال از تجرید و تعیین یک قرائت (یا مجموعه‌ای از قرائات) اکراه دارند و بر جواز قرائت مطابق آنچه قراء متداول ساخته‌اند و اختیار مکلف در انتخاب قرائت دلخواه، اجماع نموده‌اند.» (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۷/۱).

طبرسی (م ۵۵۲ ق) نیز در مقدمه مجمع‌البیان می‌گوید: «یا اینکه نزول قرآن بر قرائت واحد امری شایع در اخبار امامیه است، اما این مذهب بر جواز عمل بر طبق قرائات متداول در بین قراء اجماع نموده و تجرید بر یک قرائت را نمی‌پسندد.» (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۴۰۶: ۳۶/۱).

آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی می‌نویسد:

«هر یک از این قراء سبعة ممکن است، احیاناً گرفتار اشتباه شده باشند و دلیلی از نظر عقل و شرع وجود ندارد که لزوماً باید از قاری خاصی از این قراء سبعة و یا دیگران در قرائت قرآن پیروی نمود. عقل و شرع نیز ما را از پیروی امری که قطعی و یقینی نیست، منع کرده.» (خویی، البیان، ۱۳۹۵: ۱۷۱).

همچنین ابوحنیفه اندلسی (م ۷۵۴ ه) گفته است: «این ترجیحی که مفسران و نحویان بین قرائات قائل می‌شوند، صحیح نیست، زیرا همه قرائات، مقبول، صحیح و از طرف رسول خدا ﷺ تأیید شده، و هر یک از قرائات وجهی در علوم عربی دارد. بنابراین، نباید ترجیحی بین قرائات قائل شد.» (اندلسی، الحر المحيط، ۱۴۲۰: ۲/۲۶۵).



## دو. نقد و گزینش قرائات معروف و متداول

گروهی دیگر از مفسران هیچ‌یک از قرائات معروف را به‌طور مطلق نمی‌پذیرند و عقیده دارند که باید آن‌ها را مورد نقد و بررسی قرار داد. و قرائت صحیح را انتخاب کرد. انتخاب قرائاتی که اکنون توسط برخی برگزیده و استعمال می‌شود، تاریخ‌مند نیست، بلکه به استناد برخی روایات ثانوی سفارشی از سوی معصومان یا غیر معصومان و دلایل دیگر موردپذیرش واقع شده‌اند، همانند قرائت حفص از عاصم که اکنون در بیشتر کشورهای اسلامی رایج است (استادی، ارتباط اختلاف قرائات با تحریف قرآن، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

علامه طباطبایی از جمله مفسرانی است که با این رویکرد به تفسیر آیات قرآن پرداخته است، گویا در بینش علامه هیچ‌گونه تفاوتی از نظر ارزش و اعتبار بین قرائات مشهور و سایر قرائات وجود ندارد، و هر یک از این قرائات می‌تواند به‌عنوان متن قرآن، تفسیر شود. بر پایه بینش و دیدگاه وی، در مواردی که اختلاف قرائت وجود دارد، قرائت صحیح برای ما نامعلوم و در میان تعدادی از قرائات پنهان است. به همین سبب باید کوشید تا در پرتو تمام عوامل و قرائن درونی و برونی ترجیح قرائت، همچون أفصحیت، سیاق آیات، قواعد صرفی، قضاوت عقلی و دیگر موارد، بر آن قرائت دست یافت (فاکر مییدی، اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۳: ۸؛ دیمه‌کار گراب و ایروانی نجفی، روش علامه طباطبایی در مواجهه با اختلاف قرائات در المیزان، ۱۳۹۴: ۲۱) بر همین اساس ایشان در تعریف علم قرائات می‌نویسند:

«علم قرائت فنی است که به ضبط و توجیه قرائت‌های هفت‌گانه معروف و قرائت‌های سه‌گانه دیگر و قرائت‌های صحابه و شواذ قرائت‌ها می‌پردازد.» (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۵۳: ۱۵۹).

در بینش علامه منشأ اصلی قرائت قرآن رسول خدا ﷺ است که قرائت صحیح آیات را در اختیار صحابه قرار می‌دادند و صحابه نیز آن را به دیگران آموزش می‌دادند.

«در زمان حیات پیغمبر اکرم ﷺ جمعیت متشکلی در مدینه به قرائت قرآن و تعلیم و تعلم آن اشتغال داشتند. آیات قرآنی را که تدریجاً نازل می‌شد، از زبان پیغمبر اکرم استماع می‌کردند و گاهی در پیشش خوانده، به وی عرض می‌کردند. عده‌ای در قرائت مصدر تعلیم و آموزش بودند و کسانی که از ایشان اخذ می‌کردند، کیفیت قرائت خود را در شکل روایت به استاد خود اسناد می‌دادند و غالباً به حفظ آنچه اخذ کرده بودند، می‌پرداختند.» (همان: ۲۰۴). درواقع تواتر قرآن ثابت است و قرائات با



قرآن تفاوت دارد. زیرا قرآن از طریق تواتر از آغاز نزول تاکنون به دست ما رسیده است و هیچ وقت دست خوش تغییر در الفاظ نشده است. اما قرائات، گزارش‌ها و اخبار واحدی هستند که نمی‌توانند تواتر را مخدوش نمایند. و باید مورد نقد و بررسی قرار گیرند (زرکشی، البرهان فی العلوم القرآن، ۱۴۰۸: ۱/ ۳۱۹؛ ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۱/ ۳۰؛ ابوشامه، ابراز المعانی من حرز الامانی، ۱۳۹۵: ۱۷۸).

به باور علامه اختلاف قرائات بعد از رحلت رسول خدا ﷺ با گسترش اسلام و فاصله گرفتن مردم از قرائت پیامبر ﷺ آغاز گردید و منشأ اختلافات زیادی شد. با کنکاشی در مباحث گفته شده می‌توان نتیجه گرفت رویکرد علامه در جریان اختلاف قرائات بر محور شناسایی و تفکیک قرائت‌های مشهور از قرائت‌های شاذ استوار است. این امر نشانگر اهتمام ایشان بر بازشناسی قرائات و اجتناب از برخورد تقلیدی یا سهل‌انگارانه با مسئله اختلاف قرائات است.

## ۲. گونه شناسی شیوه مواجهه علامه با اختلاف قرائات در المیزان

در این پژوهش، چگونگی مواجهه علامه با مسئله اختلاف قرائت‌ها در برداشت‌های تفسیری المیزان، تحت قالب و الگویی مناسب ارائه گردیده است، بدین صورت که ایشان با اعتقاد به عدم تواتر قرائت رایج، سه رویکرد کلی در مواجهه با اختلاف قرائات دارند، یا قرائت رایج را با دلایلی بر دیگر قرائات ترجیح می‌دهند، با وجود اینکه اعتقادی به تواتر آن ندارند، یا هیچ‌کدام از قرائات را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد و فقط به ذکر قرائات مختلف بسنده می‌کند و از اظهارنظر در برابر آنان خودداری نموده و یا یکی از قرائات غیر متداول را بر قرائت رایج ترجیح می‌دهد. و گاهی برای این ترجیح به ذکر معیار و الگو می‌پردازد و گاهی از ذکر معیار خودداری می‌کند. لازم به ذکر است که منظور از قرائت رایج و متداول، آن قرائتی است که در بین مسلمانان، متعارف بوده و هست و از آن به «قرائت متواتر مطابق با قرائت حفص از عاصم» تعبیر می‌شود. علاوه بر این اصطلاحاتی نظیر: قرائه متداوله، رائجه، دائره، متعارفه، رسمیه، مشهوره، نیز به همین قرائت اشاره دارند (مؤدب، تفسیر المیزان و قرائات غیر متداول، ۱۳۹۳: ۴۳). در این قسمت ضمن بیان شاهد مثال‌هایی برای هر مورد، معیار انتخاب و نحوه عملکرد علامه در مواجهه با هر قرائتی آشکار می‌گردد. قبل از ورود به بحث اصلی ذکر این مطلب ضروری است و آن مبانی فکری علامه در مسئله اختلاف قرائات است که حجم این مقاله گنجایش پرداختن به این مهم را ندارد. ولی به ذکر این نکته بسنده می‌شود که علامه پس از آنکه تواتر قرائات را



نمی‌پذیرد و حصر قرائات در سبعة را منتفی می‌داند، به نقل از سیوطی می‌نویسد: اصل قابل اعتماد در مسئله قرائات سه چیز است. صحت سند، موافقت با قواعد عربی و مطابقت با رسم مصحف. با توجه به این‌که علامه این مطالب را از امثال سیوطی بدون هیچ نقدی نقل کرده، معلوم می‌شود که آن را پذیرفته است (فاکر میبیدی، اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۳۹۹).

با بررسی دقیق اختلاف قرائات در این تفسیر، می‌توان هندسه نظام‌مند شیوه مواجهه ایشان با اختلاف قرائات را ترسیم نمود. در بررسی تعداد زیادی از آیاتی که اختلاف قرائات در آن‌ها مطرح گردیده، جدول زیر به دست آمده است:

**جدول مقطع ترمیم قرائت رایج، غیر رایج و عدم ترمیم قرائات در تفسیر المیزان**

ردیف	نوع رویکرد	تعداد آیات	آدرس آیات	درصد
۱	ترجیح قرائت رایج	۱۹	بقره/۱۰۲/۱۲۲/۲۶۰؛ آل عمران/۸۰؛ نساء/۲۴/۵۹؛ مائده/۶۷/۹۵؛ اعراف/۱۷۲؛ انفال/۱؛ توبه/۱۰۰؛ هود/۴۲/۴۶؛ رعد/۳۱؛ مریم/۱۷؛ ابراهیم/۴۱؛ طلاق/۱؛ بروج/۳؛ انعام/۵۹	۳۰٪
۲	ترجیح قرائت غیر رایج	۲۷	حمد/۴؛ بقره/۱۰۶/۲۱۴؛ مائده/۵۳/۱۱۲/۱۱۵؛ انعام/۹۸؛ انفال/۵۹؛ توبه/۱۷/۱۱۰؛ هود/۱۰۸؛ مجادله/۸؛ شعرا/۱۳؛ مؤمنون/۵۳/۶۷؛ نمل/۲۵/۶۲/۸۲/۸۸/۹۳؛ صافات/۱۳۰؛ فتح/۹؛ زخرف/۵۷؛ جن/۱/۱۳؛ فرقان/۱۹؛ هود/۴۶	۴۴٪
۳	عدم ترجیح قرائات	۱۶	بقره/۳۷/۸۳/۱۲۶/۲۱۹/۲۸۲؛ انعام/۳۳/۱۰۵/۱۳۷/۱۵۹؛ اعراف/۱۱۱/۱۱۳	۲۶٪



	انفال/۲۵؛ توبه/۱۱۲/۱۱۷/۱۱۸؛ شعراء/۳۶			
--	--------------------------------------	--	--	--

### یک. ترجیح قرائت رایج تحت عنوان قرائه دائره

از آنجایی که علامه قرائت حفص از عاصم را اجتهادی دانسته و مانند سایر قرائات هیچ گونه ارجحیتی برای آن قائل نیست از آن به عنوان « قرائه دائره= قرائت رایج » (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۲۷۱/۷) تعبیر می کند. البته این حقیقت قابل انکار نیست که قرائت حفص مبنای اصلی تفسیر المیزان است، اما ایشان در همه موارد قرائت حفص را بر سایر قرائات ترجیح نداده اند، بلکه در مواردی آن قرائت را به عنوان قرائت مشهور تأیید و بر دیگر قرائات ترجیح داده است (خامه گر، روش شناسی رویکرد علامه طباطبایی در اختلاف قرائات، ۱۳۹۱: ۱۲۶) که به ذکر چند مورد پرداخته می شود:

الف) ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (انفال/۱)

قرائت رایج: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ

قرائت غیر متداول: يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ

در قرائت منصوب به اهل بیت (علیهم السلام)، و نیز قرائت ابن مسعود، طلحه بن مصرف، عکرمه، عطاء، ضحاک، ابی بن کعب و ابوالعالیه، آیه را به صورت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ» قرائت کرده اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۶: ۷۹۵/۴؛ خطیب، معجم القراءات، ۱۴۲۲: ۲۵۷/۳).

المیزان: اینکه قرائت مشهور یعنی «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» راجح تر است، آیه دلالت دارد بر اینکه میان افراد مورد اشاره در آیه منازعه و مخاصمه بوده است که هریک مدعی درستی سخن خود بودند، زیرا وقتی سؤال با لفظ "عن" متعدی شود معنای استعلام حکم و استخبار خبر را می دهد، برخلاف آنجایی که بدون "عن" متعدی شود که به معنای درخواست عطیه است، و با مقام ما سازگار نیست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۶/۹).

ب) ﴿فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ، فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ...﴾ (بقره/۲۶۰)

قرائت رایج: فَصُرْهُنَّ



### قرائت غیر متداول: فَصِرْهُنَّ

از میان قراء فقط حمزه آن را به کسر را قرائت کرده، و بقیه قاریان آن را به ضم قرائت کرده‌اند (طوسی، التبیان، بی تا: ۳۲۶/۲).

المیزان: کلمه "صرهن" بضم صاد، بنا بر یکی از دو قرائت از (صار- یصور) است، که به معنی "بریدن" و یا "متمایل کردن" است و به کسر صاد که قرائتی دیگر است از (صار- یصیر) می باشد که به معنای "شدن" است. و قرائن کلام دلالت دارد بر اینکه در اینجا معنای "قطع کردن" منظور است. و چون با حرف "الی" متعدی شده، دلالت می کند بر اینکه متضمن معنای متمایل کردن نیز هست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۵۷۵/۲).

ج) ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ...﴾ (آل عمران/۸۱).

### قرائت رایج: لَمَّا

### قرائت غیر متداول: لِمَا

المیزان: در جمله "لَمَّا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ" در کلمه "لما" دو قرائت است: یکی قرائت مشهور که لام را به فتحه می خوانند، و یکی قرائت حمزه، که آن را به کسره خوانده و لام را لام تعلیل و "ما" را موصوله گرفته. ولیکن ترجیح با قرائت به فتحه است، بر اساس این قرائت که لام مفتوح و کلمه "ما" بدون تشدید باشد، قهرا "ما" موصوله خواهد بود، و کلمه "آتیتکم" که "آتیناکم" هم قرائت شده صله آن است و ضمیری که باید از صله به موصول برگردد، حذف شده، چون جمله "مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ" می فهمانده که در اینجا ضمیری حذف شده، و موصول مذکور مبتداء و خبرش جمله "لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ..." است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۵۱۵/۳).

د) ﴿فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾ (مریم/۱۷).

### قرائت رایج: رُوحَنَا

### قرائت غیر متداول: رُوحَنَا

المیزان: یکی از قرائت های نادرست هم قرائت کسانی است که کلمه "روحنا" را با تشدید نون خوانده، و گفته اند: روحنا اسم آن فرشته ای بوده که برای مریم مجسم شده، و او غیر جبرئیل روح الامین بوده است که فساد این نیز روشن است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۴۷/۱۴).  
دلیل نقد این قرائت که سهل و ابوحیوه به صورت (روحنا) آن را قرائت کرده اند (سیوطی، الدر



المنقور، ۱۴۲۱: ۲/ ۳۰۰، آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۸/ ۳۹۴). این است که ایشان در ابتدای تفسیر این آیه به استناد آیات متعدد (بقره/۹۷؛ نحل/۱۰۲؛ شعرا/۱۹۳) اثبات می‌کند که آن روح فرستاده‌شده برای حضرت مریم همان جبرئیل است، لذا قرائت این قاریان که بیانگر این است که فرشته‌ای به نام (روحنا) بر مریم فرستاده شده را قرائتی نادرست دانسته است.

### دو. عدول از قرائت رایج و ترجیح غیرمتداول بر آن با ذکر الگو و معیار

یکی از رویکردهای تفسیر المیزان، عدول از قرائات متداول در تعدادی از آیات و انتخاب یکی دیگر از قرائات سبعة و یا حتی قرائتی غیر از قرائات سبعة است. این اقدام با یکی از مبناهای مهم امامیه (وحدت نص و قرائت قرآن) در تعارض است (طوسی، التبیان، بی تا: ۷/۱) این مبنا ریشه در روایات اهل بیت علیهم السلام دارد. در یکی از این روایات امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ، نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَ لَكِنَّ الْأَخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/ ۶۲۰).

بر طبق این مبنا، نزول قرآن بر اساس قرائت واحد است، و اختلاف قرائات به اختلاف راویان برمی‌گردد. التزام به این مبنا ایجاب می‌کند که اولاً یک قرائت مبنای تفسیر قرار بگیرد، نه چند قرائت، چون سایر قرائات، و حیانی نیستند. و ثانیاً، آن قرائت نیز باید قرائت متعارف میان مسلمانان باشد (مؤدب، تفسیر المیزان و قرانات غیر متداول، ۱۳۹۳: ۴۴).

علامه برای ترجیح قرائت غیرمتداول در بعضی موارد به ذکر دلیل پرداخته است و در جاهایی قرائت غیرمتداول را ترجیح داده، بدون اینکه به دلیل ارجحیت آن بپردازد. از مهم‌ترین معیارها و الگوهایی که برای ترجیح قرائات از آن‌ها بهره برده، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

### جدول مقطع ترجیح قرائات غیر رایج در تفسیر المیزان

ردیف	معیار و الگو	تعداد آیات	آدرس آیات	درصد
۱	سیاق	۱۱ آیه	بقره/۲۱۴؛ فرقان/۱۹؛ توبه/۱۷؛ مائده/۵۳؛ انفال/۵۹؛ فتح/۹؛ زخرف/۵۷؛ جن/۱۳-۱؛ هود/۴۶؛ نمل/۸۸	۴۰٪
۲	دوری از تکلفات دستوری	۷ آیه	حمد/۴؛ مائده/۱۱۵؛ انعام/۹۸؛ هود/۱۰۸؛ جن/۱۳-۱؛ نمل/۶۲	۲۶٪





۴٪	مجادله/۸	آیه ۱	تطابق لفظی با سنت	۳
۲۲٪	بقره/۱۰۶؛ شعرا/۱۳؛ صافات/۱۳۰؛ نمل/۹۳، ۸۲، ۶۲	آیه ۶	اقتضای طبع المعنی	۴
۴٪	نساء/۲۵	آیه ۱	حکم مسلم اسلامی	۵
۴٪	مائده/۱۱۲	آیه ۱	براهین عقلی	۶

### الف. سیاق آیات

سیاق در اصطلاح قرآنی، دانشمندان تعریف‌های مختلفی از آن ارائه کرده‌اند. شهید صدر با توسعه در معنای اصطلاحی سیاق، آن را تمام قرائتی می‌داند که به فهم لفظ کمک می‌کنند، خواه قرائن لفظیه باشند، مانند کلماتی که با لفظ مورد شناسایی، یک مجموعه به هم پیوسته و مرتبط را شکل می‌دهند و خواه قرائن حالیه باشند، مانند شرایط و زمینه‌های صدور کلام که در فهم معنا مؤثر هستند (صدر، دروس فی علم الاصول، ۱۴۰۶: ۱/۹۰). آیت‌الله معرفت در تعریف سیاق نوشته است: قرآن به تدریج و در مناسبت‌های مختلف نازل شده و گاهی مجموعه‌ای از آیات در مناسبت خاصی نازل شده است که لازمه آن وجود رابطه ذاتی بین آن‌هاست که در اصطلاح سیاق آیه است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۵/۲۳۹). قدر مشترک تعاریف ارائه شده از سیاق عبارت است از توجه کردن به یکپارچگی لفظی و معنوی جملات یا آیات در کنار هم قرار گرفته، جهت دستیابی به معنا و مفهومی که خداوند متعال اراده کرده است (جعفری، بررسی کارکرد سیاق در المیزان، ۱۳۹۵: ۳۲).

بی‌شک یکی از مهم‌ترین کلیدهای تدبر و فهم آیات در المیزان بهره‌گیری از سیاق است. علامه در آیاتی قرائت غیرمتداول را بر قرائت رایج و متداول ترجیح داده است و آن را به قاعده سیاق مستند ساخته است. ذکر این نکته لازم و ضروری است که قاعده سیاق در ترجیح قرائات غیرمتداول، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است.

الف) ﴿حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهَ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ (بقره/۲۱۴)

قرائت رایج: يَقُولُ

قرائت غیر متداول: يَقُولُ

نافع، ابن عامر در روایت ولید، مجاهد، کسائی، ابن محیصن (از قراء چهارده‌گانه) شبیه و اعرج



(يقول) را به رفع خوانده‌اند (دانی، جامع البیان فی قراءات السبع، ۱۴۲۸: ۲/ ۹۱۲، طوسی، التبیان، بی‌تا: ۲/ ۱۹۹، ابن جزری، زاد المسیر فی علم التفسیر، ۱۴۲۱: ۳۰۴).

المیزان: کلمه (يقول) به نصب لام خوانده شده و بنابراین قرائت جمله در معنای غایت و نتیجه است. برای جملات قبل، بعضی هم آن را به ضمه لام خوانده‌اند و بنا بر این قرائت جمله نامبرده حکایت حال گذشته است، و هرچند هر دو معنا صحیح است، لیکن دومی با سیاق مناسب‌تر است، برای اینکه اگر جمله نامبرده غایتی باشد که جمله (زلزلوا) را تعلیل کند، آن‌طور که باید با سیاق مناسب نیست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۳۸).

ب) ﴿قَدْ كَذَّبَكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِم مِّنْكُمْ نُدِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا﴾ (فرقان/۱۹)

قرائت رایج: تَسْتَطِيعُونَ

قرائت غیر متداول: يَسْتَطِيعُونَ

المیزان: غیر از "قرائت عاصم" از طریق حفص سایر قراء آیه را «یستطیعون» با یاء قرائت کرده‌اند، و این قرائت خوبی است، و با مقتضای سیاق سازگارتر است، و بنا بر این معنایش این می‌شود که معبودهای شما، شما را در آنچه می‌گفتید- که این‌ها خدایان‌اند و درد و بلا از شما دور می‌کنند، و یا حداقل شما را یاری می‌کنند- تکذیب کردند، و نتیجه این تکذیب این شد که این معبودین نه می‌توانند بلاگردان شما باشند و نه حداقل یاری‌تان کنند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۱۵/ ۲۶۵).

ج) ﴿لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ (فتح/۹)

قرائت رایج: لَتُؤْمِنُوا - تُعَزِّرُوهُ - تُوقِّرُوهُ - تُسَبِّحُوهُ

قرائت غیر متداول: لَيُؤْمِنُوا - يُعَزِّرُوهُ - يُوقِّرُوهُ - يُسَبِّحُوهُ

ابن کثیر، ابن محیسن، ابوعمر، ابوجعفر، ابوحیوه، یزیدی همه این فعل‌ها را با یاء غیبت قرائت کرده‌اند (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعه عشر، ۱۴۲۲: ۳۰۲؛ خطیب، معجم القراءات، ۱۴۲۲: ۳/ ۳۵۶).

المیزان: در قرائت مشهور همه فعل‌های چهارگانه با «تاء» که علامت خطاب است، قرائت شده و در قرائت ابن کثیر و ابوعمر و با «یاء» که علامت غیبت است، قرائت شده، و قرائت این دو با سیاق مناسب‌تر است. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۱۸/ ۴۰۸).



توضیح: با مطالعه آیه قبل می‌توان ارجحیت قرائت غیر متعارف را از نگاه علامه این‌گونه تخمین زد: آیه پیشین و این آیه یک جمله طولانی را تشکیل می‌دهند، در آن‌ها می‌خوانیم: **إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُعْزِرُوهُ وَ تُوقِّرُوهُ وَ تُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا.** آیه مورد بحث با لام جاره تعلیلیه شروع می‌شود که پس از آن نیز، «أن» ناصبه مصدریه در تقدیر است و تمام چهار فعل موجود در آن را به تأویل مصدر می‌برد، و این جار و مجرورات متعلق به «ارسلناک» در آیه قبل‌اند و بیانگر علت ارسال‌اند. اکنون می‌گوییم در این جمله طولانی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مخاطب کلام خداوند است، نه مؤمنانی که چهار فعل بعدی درباره آن‌ها آمده و انتظارات الهی را از آن‌ها بیان می‌کند. اگر چنین است، نباید این چهار فعل به شکل مخاطب به‌کاررفته باشند، چون روی سخن خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله است نه آن مؤمنان. بنابراین، قرائت غیر مشهور که تمامی آن‌ها را به صیغه غائب نقل نموده، ارجح است (مؤدب، تفسیر المیزان و قرائات غیر متداول، ۱۳۹۳: ۵۱).

#### ب. دوری از تکلفات دستوری

آگاهی و تسلط بر قواعد ادبیات عرب، هم مفسر را در تشخیص قرائت واقعی و صحیح کمک می‌کند، هم به تبع تشخیص قرائت صحیح، باعث می‌شود که از آیات قرآن کریم، فهم و برداشت و تفسیر درستی ارائه گردد (رجبی، روش تفسیر قرآن، ۱۳۸۳: ۲۷۳) بر این اساس علامه طباطبایی گاهی برای ترجیح قرائات غیر متداول بر قرائت رایج، از قواعد دانش صرف بهره برده و تکلفات سخت دستور را کنار گذاشته است:

الف) ﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا﴾ (جن/۱)

قرائت رایج: أَنَّهُ - حفص و ابو جعفر

قرائت غیر متداول: إِنَّهُ - سایر قاریان

ابو جعفر نیز مانند قرائت مشهور در خصوص (وانه تعالی، و أنه کان یقول وأنه کان رجال) به صورت فتحه قرائت کرده، ولی سایر قراء ابتدای این آیات را به کسره همزه قرائت کرده‌اند (ابن جزری، زاد المسیر فی علم التفسیر، ۱۴۲۱: ۵۹۴؛ واسطی، الكنز فی القراءات العشر، ۱۴۲۵: ۶۹۵/۲).

المیزان: قرائت مشهور، کلمه "أنه" را به فتحه همزه خوانده، و بعضی آن را و آیات بعدش را که دوازده آیه است، به کسر همزه خوانده‌اند، و درست هم همین است، و قرائت به فتحه وجه روشنی



ندارد، بعضی‌ها آن را توجیه کرده‌اند به اینکه جمله "و انه..." عطف است بر ضمیر مجرور در جمله "امنا به" و تقدیر کلام "امنا به و بانه تعالی جد ربنا..." است، می‌خواهد از جنیان خبر دهد به اینکه نسبت به نفی صاحب و ولد برای خدا که بت پرستان بدان معتقدند، ایمان دارند. لیکن این توجیه بر اساس عقیده نحویان کوفی درست درمی‌آید، که عطف بر ضمیر متصل مجرور را جایز دانسته‌اند، و اما بنا بر مذهب بصری‌ها که آن را جایز نمی‌دانند،

بعضی از قبیل فراء و زجاج و زمخشری- به طوری که از ایشان حکایت شده- گفته‌اند که: کلمه "و انه" عطف است بر محل جار و مجرور، و محل جار و مجرور "فَأَمَّا بِهِ" نصب است، چون این جمله در معنای "تصدیق داریم آن را" است، که کلمه "آن را" مفعول ایمان به معنای تصدیق است، و تقدیر کلام "و صدقنا انه تعالی جد ربنا..." است. ولی خواننده خود می‌داند که این توجیه، توجیه درستی نیست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۶۲/۲۰).

ب) ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَبِئْسَ الْجَزَاءُ لِلَّذِينَ خَالَدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مُجْدُودٍ﴾ (هود/۱۰۸)

قرائت رایج: سَعِدُوا (صیغه مجهول)

قرائت غیر متداول: سَعِدُوا (صیغه معلوم)

ابن کثیر، ابن عامر، ابو عمرو، نافع، عاصم، ابوجعفر و یعقوب (از قراء ده‌گانه)، ابن مسعود و اعمش، از قراء چهارده‌گانه، آن را به صورت (وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا) به ضمه سین قرائت کرده‌اند (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۷۱/۱۲؛ دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعه عشر، ۱۴۲۲: ۳۲۶؛ دانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۴۲۶: ۱۰۳).

المیزان: کلمه "سعدوا" هم به صیغه مجهول قرائت شده و هم به صیغه معلوم، و قرائت دومی با لغت سازگارتر است، زیرا ماده "سعد" در استعمالات معروف، لازم استعمال شده، و واضح است که از فعل لازم صیغه مجهول ساخته نمی‌شود، ولیکن اگر کلمه مذکور را به قرائت اولی مجهول بخوانیم، آنگاه با در نظر داشتن اینکه در آیه قبلی قرینه‌اش یعنی کلمه "شقوا" به صیغه معلوم قرائت شده، نکته لطیفی را افاده خواهد کرد، زیرا کلمه "شقوا" معنایش "به‌سوی شقاوت گرائیدند" و معنای: "سعدوا" به صیغه مجهول "توفیق سعادت یافتند" است و این دو نحو تعبیر، این معنا را می‌رساند که سعادت و خیر از ناحیه خداست، ولی شر و شقاوتی که گریبان گیر بشر می‌شود، به دست خود اوست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۴۴/۱۱).



### ج. تطابق لفظی با سنت

یک از مواردی که علامه قرائات غیر رایج را بر قرائت معمول و رایج ترجیح می‌دهد، بیان حکم شریعت اسلام درباره‌ی مسئله موردنظر است

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَهَوُا عَنِ التَّجْوِي ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نَهَوْا عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْأَثَمِ وَالْعُدْوَانِ...﴾ (مجادله/۸)

قرائت رایج: يَتَنَجَّوْنَ

قرائت غیر متداول: يَتَنَجَّوْنَ

عموم قراء مدینه و بصره و بعضی از کوفیان آن را به صورت وَ يَتَنَجَّوْنَ بر وزن يتفاعلون قرائت می‌کنند و حمزه و یحیی و اعمش آن را وَ يَتَنَجَّوْنَ بر وزن يفتعلون قرائت می‌کنند (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۰/۲۸).

المیزان: در مجمع البیان آمده که: حمزه و روایت رويس از يعقوب آیه را به صورت "ينتجون" و بقیه قاریان به صورت "يتناجون" قرائت کرده‌اند. شاهد قرائت حمزه کلام رسول خدا ﷺ است، که درباره علی علیه السلام در پاسخ کسانی که پرسیدند: چرا با علی تناجی می‌کنی و با ما نمی‌کنی؟ فرمود: «ما انا انتجیته، بل الله انتجاه؛ من به دستور خود با او نجوی نکردم، بلکه خدا دستور داد نجوی کنم (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۱۹/۳۳).

توضیح: شاید نحوه استدلال ایشان به سخن پیامبر ﷺ این گونه باشد که: سائل با عبارت (تناجیه) سؤال می‌پرسد و پیامبر اکرم با عبارت (انجیته) پاسخ می‌دهد، یعنی پیامبر اکرم ﷺ وزن کلمه را تغییر می‌دهد و ضمن پاسخ به او، تلویحاً خطای زبانی او را نیز به وی گوشزد کرده است. نتیجه اینکه برای بیان نجوای طرفینی باب افتعال مناسب‌تر از باب تفاعل است و این همان قرائت حمزه است، نه قرائت متعارف (مؤدب، تفسیر المیزان و قرائات غیر متداول، ۱۳۹۳: ۵۱).

### د. اقتضای طبع المعنی

یک از عوامل ترجیح قرائات در بینش علامه، موافقت قرائت، با معنا و مفهوم آیه است. علامه این معیار را غیر از سیاق آیه می‌داند، به دلیل آنکه در سیاق تمام قرائن لفظی و معنوی آیه موردنظر، بررسی می‌گردد، اما طبع المعنی، درواقع هماهنگی آن قرائت با قضیه و داستان آیه است که در جاهای مختلف به آن پرداخته شده است. ایشان از این معیار برای ترجیح قرائات غیرمتداول بر



قرائت رایج بهره برده است:

الف) ﴿وَيُضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَرُونَ﴾ (شعرا/۱۳)

قرائت رایج: يَضِيقُ - يَنْطَلِقُ

قرائت غیر متداول: يَضِيقَ - يَنْطَلِقَ

در قرائت یعقوب و غیر او، دو فعل یضیق و ینتقلق به نصب قرائت شده، است (اهوازی، الوجیز، ۲۰۰۲: ۲۷۲؛ واسطی، الكنز فی القراءات العشر، ۱۴۲۵: ۲/۵۸۵).

المیزان: در قرائت دیگران، دو فعل یضیق و ینتقلق به نصب قرائت شده تا عطف بر "یکذبون" باشد و این قرائت با طبع معنا سازگارتر است بنابراین، عذر موسی علیه السلام تنها همان عذر اولی است، یعنی ترس از تکذیب، و دو تای دیگر نتیجه عذر اولی است. به عبارت روشن‌تر، عذر تنها تکذیب مردم است، که به سر آمدن حوصله و کندی زبان می‌آورد و این معنا، علاوه بر سازگاری‌اش با طبع قضیه، با آیات دیگر این داستان- که در سوره‌های دیگر آمده، سازگارتر است، چون در آن‌ها يك عذر آمده که همان ترس از تکذیب است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۱۵/۳۶۰).

#### هـ. تطابق با حکم مسلم اسلامی

یکی از مواردی که علامه قرائت غیرمتداول را بر قرائت رایج ترجیح داده است، قرابت معنایی قرائت غیرمتداول با احکام مسلم اسلامی است. توضیح اینکه یکی از احکام اسلام که در قرآن کریم نیز به آن پرداخته شده است، حلال بودن ازدواج با کنیزان پاک‌دامن است، در گذشته انسان‌ها را به ظلم به بندگی می‌گرفتند و انسان‌ها از لحاظ اجتماعی و حقوقی به برده و آزاد تقسیم می‌شدند. کنیز، عبد و مُلک مولای خود بود و از خود اختیار نداشت. مولایش بدون عقد ازدواج می‌توانست از او بهره جنسی ببرد و می‌توانست بهره بردن جنسی از کنیزش را به دیگری تحلیل نماید، یا او را به همسری دیگری درآورد و اگر فردی با کنیزش ازدواج می‌کرد، مولای کنیز می‌توانست کنیز را از شوهرش باز پس گرفته و بعد از استبرا، از او بهره جنسی گرفته و دوباره او را به همسرش برگرداند. همچنین می‌توانست مستقیماً به این کنیز که ملک خودش و زن دیگری بود، امر و نهی کند (همان: ۴/۴۴۷). در جاهلیت عرب، جدای از این مسائل، کنیز و برده اصلاً در زمره انسان به حساب نمی‌آمد و دون مرتبه تر از انسان شمرده می‌شد و ازدواج با او از این جهت عار و عیب بود و کم‌کم این عیب و عار به ازدواج با کنیزان و بردگان حتی بعد از آزاد شدن آنان هم سرایت داده شد، و برای خود فرد و فرزندانش عیب بود که همسرش یا



مادر فرزندش سابقه کنیزی داشته باشد.

﴿فَإِذَا أَحْصَنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (نساء/۲۵)

قرائت رایج: أَحْصَنَ

قرائت غیر متداول: أَحْصَنَ

أوبکر، حمزة، کسائی و خلف به فتحه همزه و صاد، بنا بر فاعل بودن قرائت کردند، (أحصن فروجهن و أزواجهن) و در این قرائت حسن و اعمش با آن‌ها موافقت داشتند. و بقیه به ضم همزه و کسر صاد، بنا بر مفعول بودن قرائت کردند (علی أن المحصن لهن الزوج) (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعه عشر، ۱۴۲۲: ۲۴۰؛ دانی، التیسیر فی القراءات السبع، ۱۴۲۶: ۱۹۰).

کلمه (احصن) هم به ضمه همزه قرائت شده تا صیغه مجهول باشد، و هم به فتحه همزه تا صیغه معلوم، بنا بر قرائت اول معنایش این می‌شود که هرگاه کنیزان به وسیله شوهران حفظ شوند، و بنا بر قرائت دوم چنین می‌شود: (هرگاه کنیزان با اسلام آوردن خود را حفظ کنند) و این قرائت دوم بهتر است. و احصان در این آیه اگر به معنای احصان ازدواج باشد جزء شرط قرار دادنش صرفاً برای این بوده که مورد سخن جایی است که قبل از ارتکاب فاحشه ازدواج صورت گرفته، چون مسئله شرعی چنین است که کنیز اگر مرتکب فحشا شود، چه شوهردار باشد و چه نباشد حدش نصف حد زن آزاد است، و احصانش چیزی بر حد او اضافه نمی‌کند. و اما اگر به معنای احصان اسلام باشد - که بعضی گفته‌اند - و قرائت با فتحه همزه هم مؤید آن است، معنایش روشن‌تر و بی‌نیاز از مثونه زائد خواهد بود، و بنا بر این احتمال معنایش چنین می‌شود، کنیزان اگر زنا بدهند نصف عذاب آزادگان را دارند، چه شوهر داشته باشند و چه نداشته باشند. در نتیجه معنای آیه چنین می‌شود: که اگر کنیزان مؤمن مرتکب زنا شدند، نصف عذابی که زنان آزاد و بی‌شوهر دارند خواهند داشت، و آن عبارت از پنجاه تازیانه است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۴/ ۴۴۵).

### ترجیح به اعتبار براهین عقلی

کاربرد عقل را می‌توان به عنوان میزانی در صحت پذیرش قرائات مورد ملاحظه قرار داد. چنانکه، قرائت، نباید تعارضی با حجت استوارتر داشته باشد. زیرا بنا بر قانون «تعادل و ترجیح» در علم اصول، یک قرائت در صورتی حجت و معتبر است که با حجتی قوی‌تر از آن، مغایرت نداشته باشد. به‌طور



مثال: در علم قرائت، مجاز عقلی به کمک تعارضات و رفع هرگونه شبهه و تعارض، می‌تواند تعیین‌کننده باشد (احتشامی، معیارها و اسلوب‌های اختیار در گزینش قرائت صحیح و آثار آن، ۱۳۹۹: ۱۳۰). علامه از این معیار جهت ترجیح قرائات غیرمتداول بهره برده است:

﴿إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (مانده/۱۱۲)

قرائت رایج: هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ

قرائت غیر متداول: هَلْ تَسْتَطِيعُ رَبُّكَ

کسایی فعل (يَسْتَطِيعُ) را به تاء و «ربك» را منصوب و دیگران فعل را به یاء و «ربك» را مرفوع خوانده‌اند. وجه قرائت اول این است که مقصود: «هل تستطيع سؤال ربك» است یعنی آیا قدرت داری که از پروردگار خود سؤال کنی؟ (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۶: ۷/۲۳۲؛ بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۴۱۸: ۲/۱۹۴؛ طوسی، التبیان، بی‌تا: ۴/۵۸).

المیزان: متن سؤالی که خداوند در این آیه از حواریون حکایت نموده، یعنی جمله: آیا پروردگار تو می‌تواند مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند، معنی ظاهریش معنایی است که بسیار بعید به نظر می‌رسد که از مثل حواریون صدور یابد و حال آنکه آنان اصحاب مسیح و شاگردان و خواص و ملازمین او بودند و از انوار علم و معارف او اقتباس می‌نمودند، از آداب و آثارش پیروی می‌کردند و پست‌ترین مراتب ایمان در آدمی این مقدار اثر را دارد که بفهمد خدا بر هر چیز قادر است و عجز و زبونی در ساحت او راه ندارد. باین حال چطور ممکن است حواریون با داشتن مراتب عالی‌ه ایمان این معنا را نفهمند و از پیغمبر خود بپرسند که آیا پروردگار می‌تواند مائده‌ای از آسمان نازل کند؟! از همین جهت بوده که کسایی - که یکی از قاریان هفتگانه است - آیه شریفه را این‌طور قرائت کرده: "هل تستطيع ربك" یعنی کلمه "تستطيع" را با "تاء" که یکی از علانم فعل مضارع است، خوانده و کلمه "ربك" را هم به فتح "باء" قرائت کرده، تا مفعول باشد برای فعل مقدر و تقدیر آیه - بنا بر این قرائت - چنین است: "هل تستطيع ان تسال ربك" - آیا می‌توانی از پروردگارت خواهش کنی که ... و چون معنا معلوم بوده، کلمه "تسال" حذف شده و "تستطيع" به جای آن باقیمانده است. اکثر مفسرین نیز بنایشان بر این است که آیه را توجیه کنند، چون فهمیده‌اند که مراد از آیه غیر آن چیزی است که از ظاهر آن استفاده می‌شود، زیرا ساحت حواریون از چنین جهالت سخیف و رسوایی منزّه است. بهترین توجیهی که در این باب شده است این است که "استطاعت" کنایه است از اقتضای مصلحت





و وقوع اذن و رخصت، چنان که "امکان" و "قوة" و "قدرت" هم کنایه آورده می شود، برای وجود مصلحت (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۶/۳۳۳).

### سه. عدول از قرائت رایج و ترجیح غیرمتداول بر آن بدون ذکر معیار و الگو

در تعدادی از آیات علامه از قرائت رایج عدول و غیرمتداول را بر آن ترجیح داده، بدون آنکه به ذکر معیار یا الگویی برای این عدول بپردازد:

الف) ﴿فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ (مؤمنون/۵۳)

قرائت رایج: زُبُرًا

قرائت غیر متداول: زُبُرًا

در مجمع البیان گفته: کلمه "زبر" - به ضم زاء، و باء- جمع "زبور" و به معنای کتابها است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۶: ۷/۱۰۹).

المیزان: آیه مورد بحث متفرع بر مطالب قبل است، و معنایش این است که: خداوند رسولان خود را یکی پس از دیگری به سوی ایشان فرستاد و همه آنها امتی واحد و دارای ربی واحدند ایشان را به سوی تقوی دعوت کردند، ولیکن بشر به امر ایشان عمل نکرد، در نتیجه امر آنان بین ایشان پاره پاره شد و آن را به صورت کتابهایی درآورده، هر جمعیتی کتابی را به خود اختصاص دادند، و هر حزبی به آنچه داشتند دل خوش گشتند. در قرائت ابن عامر "زُبُرًا" - به ضمه زاء و فتحه باء- آمده که جمع "زبره" و به معنای فرقه است. بنابراین قرائت، معنایش این می شود که: در امر انبیاء متفرق شده، جمعیت های گوناگون شدند، و هر حزبی به آنچه داشت دل خوش گشت. و این قرائت ارجح تر است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۱۵/۴۷). ظاهراً منظور آن است که این آیه تا قبل از فقره فوق توضیح می دهد که خداوند، پیامبرانش را فرستاد و مردمان، یک امت بودند و یک خدا داشتند، خدایی که آنان را به تقوای از خویش فرامی خواند، ولیکن آنان از او فرمان نبردند، سپس می گوید: (فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا) حال ما در این فقره با واژه (زبراً) مواجهیم که قرائت متعارف آن را به ضم باء خوانده که به معنای (کُتُباً) می شود و قرائتی دیگر، آن را به فتح با خوانده که معنای آن (فرقاً) می شود، معنای این فقره، طبق دو قرائت، به ترتیب این گونه است:

۱- پس آنها کارشان را میان خویش قطعه قطعه کردند و به صورت کتابهایی خاص خویش درآوردند



۲- پس آن‌ها کارشان را میان خویش قطعه کردند و فرقه‌فرقه شدند.

توجه به این دو ترجمه، تکلف آمیز بودن ترجمه نخست را که برخاسته از قرائت متعارف در واژه (زبرا) است، آشکار می‌کند، تکلفی که به‌هیچ‌وجه در ترجمه آن، طبق قرائت دوم نیست (مؤدب، تفسیر المیزان و قرائات غیر متداول، ۱۳۹۳: ۵۲).

ب) ﴿مُسْتَكْبِرِينَ بِهٖ سَامِرًا تَهْجُرُونَ﴾ (مؤمنون/۶۷)

قرائت رایج: سَامِرًا

قرائت غیر متداول: سُمَّرًا

علامه در زیر این آیه به قرائت (سُمَّرًا) به ضم سین و تشدید میم که جمع سامر است و نیز به قرائت (سُمَّارًا) به ضم و تشدید اشاره کرده و بدون ذکر دلیل قرائت (سُمَّرًا) را ارجح دانسته است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۱۵/۶۱).

گفتنی است طبرسی قرائت (سُمَّرًا) را از ابن مسعود، ابن عباس، عکرمه، ابن محیصن و یحیی دانسته و آن را به‌صراحت از قرائات شاذ دانسته و توجیهی برای این قرائت بیان نکرده. از سوی دیگر (سَامِرًا) را اسم جمع دانسته است (دیمه‌کار گراب و ایروانی نجفی، روش علامه طباطبایی در مواجهه با اختلاف قرائات در المیزان، ۱۳۹۴: ۶۳).

ج) ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ سِيرَیْكُمْ ءَايَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (نمل/۹۳).

قرائت رایج: تَعْمَلُونَ

قرائت غیر متداول: یَعْمَلُونَ

ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کسایی، خلف، ابن ذکوان آن را با یاء (یَعْمَلُونَ) قرائت کرده‌اند (ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۴/۲۷۴).

المیزان: خطاب در این جمله به رسول خدا ﷺ است و این جمله به‌منزله تعلیل و بیان مطالب گذشته است و معنایش این است: اعمال شما بندگان در برابر دیدگان پروردگار تو است، پس هیچ‌چیز از آنچه حکمت در قبال اعمال شما اقتضاء می‌کند از او فوت نمی‌شود، اگر حکمت اقتضاء دعوت و هدایت داشته باشد، می‌کند و اگر اقتضای اضلال و نشان دادن آیات و سپس پاداش نیکوکاران و کیفر بدکاران را داشته باشد، انجام می‌دهد، جمله موردبحث به‌صورت غایب یعنی "عما یعملون" نیز، قرائت شده و شاید هم بهتر باشد، چون مفادش تهدید تکذیب کنندگان است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۱۵/۵۸۱).



#### چهار. اجتناب از جمود بر یک قرائت خاص (عدم ترجیح قرائات)

یک از روش‌های تعامل علامه با مسئله اختلاف قرائات، در آیاتی که اختلاف قرائات در آن‌ها مطرح گردیده، عدم ترجیح قرائت رایج بر سایر قرائات است، این موضوع علاوه بر اینکه باعث افزایش دانش تفسیری مخاطب شده است، از طرف دیگر از جمود بر یک قرائت خاص اجتناب نموده است، علامه با اعتقاد به نقد و گزینش قرائات، انحصار حجیت در قرائت حفص از عاصم را رد نموده است. به نظر می‌رسد انگیزه دیگر علامه از این اقدام، یادآوری قرائات دیگر به خواننده است، تا خواننده با توجه به این نکته، به وجوه دیگر در تفسیر آیه نیز توجه نماید. احتمال دیگر این است که در چنین مواردی قرائت حفص از عاصم در نظر علامه از قوت کافی برخوردار نبوده و چون ایشان دلیلی هم برای ترجیح سایر قرائات بر آن نیافته، به صرف گزارش بسنده کرده است. از این رو برای آنکه نشان دهد قرائات دیگری هم وجود دارند که با قرائت حفص برابری نموده و می‌توانند با آن رقابت نمایند.

الف) ﴿وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِيُبَيِّنَ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (انعام/۱۰۵).

قرائت رایج: دَرَسْتَ

قرائت غیر متداول: دَارَسْتَ

ابن کثیر و ابو عمر «دارست» و ابن عامر و یعقوب و سهل «درست» به فتح سین و سکون تاء و دیگران به سکون سین و فتح تاء قرائت اول، یعنی تو با اهل کتاب مذاکره و گفتگو کرده و از آن‌ها چیزهایی آموخته‌ای. مؤید این قرائت، این آیه است: ﴿وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ﴾ (فرقان/۴) قوم دیگری وی را بر قرآن یاری کرده‌اند) قرائت دوم، یعنی: برای اینکه بگویند این مطالب، اخبار گذشتگان است و کهنه شده و کسی نیست که آن‌ها را بداند و تکذیب یا تصدیق کند. قرائت سوم، خطاب به پیامبر اسلام است. یعنی: از یهود فراگرفته‌ای. لام بنا بر قرائت اول و سوم لام عاقبت است یعنی ما آیات را برای تو به صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم و سرانجام آن‌ها خواهند گفت که با اهل کتاب مذاکره کرده‌ای یا از آن‌ها آموخته‌ای. اما بنا بر قرائت دوم، لام به معنای کراهیت است. یعنی برای اینکه بگویند: اخبار آن کهنه شده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۶: ۸/۲۱۵؛ طوسی، التبیان، بی تا: ۴/۲۲۸).

المیزان: کلمه "درست" به صیغه "دارست" که مذکر مخاطب است و صیغه "درست" که مؤنث غایب است، نیز قرائت شده است. بعضی درباره "نصرف" گفته‌اند: "تصریف" به معنای بیان يك معنا است در صورت‌های گوناگون تا فایده‌اش جامع تر شود، و کلمه "درست" از ماده "درس" به معنای



تعلیم و تعلم از راه خواندن است، قرائت "دارست" نیز مبنی بر این معنا است، جز اینکه زیادتى معنی را افاده می‌کند. و اما بنا بر قرائت "درست" به صیغه مؤنث غایب، از ماده "دروس" و به معنای از بین رفتن اثر است. و بنابراین قرائت، معنای آیه چنین می‌شود که: تا بگویند این حرف‌ها همان حرفه‌ای کهنه و از بین رفته است که دیگر امروز به هیچ دردی نمی‌خورد. هم چنان‌که در آیات دیگری این معنا را از قول کفار نقل کرده که گفتند: این همان اساطیر اولین است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۷/ ۴۱۸).

ب ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَّسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾  
(انعام/۱۵۹)

قرائت رایج: فَرَّقُوا دِينَهُمْ

قرائت غیر متداول: فَارَّقُوا دِينَهُمْ

در زیر این آیه از تفسیر قمی از پدرش از نصر از حلبی از معلی بن خنیس از امام صادق (ع) روایت شده که در ذیل این آیه فرمود (فَارَّقَ الْقَوْمُ وَاللَّهِ دِينَهُمْ) به خدا سوگند که اهل سنت نیز دین خود را دسته‌دسته کردند که در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم (فَارَّقُوا الْقَوْمُ وَاللَّهِ دِينَهُمْ) ثبت شده است (قمی، تفسیر قمی، ۱۴۰۴: ۱/ ۲۲۲) اما در نسخه بحار الانوار به صورت (فَارَّقَ الْقَوْمُ وَاللَّهِ دِينَهُمْ) نقل شده است (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۸/ ۲۰۸) از امام صادق (ع) نیز روایت شده که امام علی (ع) این آیه را (فَارَّقُوا دِينَهُمْ) قرائت می‌کرد (عیاشی، تفسیر عیاشی، ۱۳۸۰: ۳/ ۶۳).

المیزان: قرائتی را که از آن جناب نقل شد، بعضی از عامه و از جمله آنان سیوطی نیز به طرق خود از آن حضرت نقل کرده‌اند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۷/ ۳۹۲). لازم به ذکر است ابن کثیر، یعقوب، ابوجعفر، عاصم، ابن عامر، ابوعمر، نافع به صورت (فَرَّقُوا) و در مقابل عبدالله بن مسعود، حسن بصری، اعمش، کسائی، حمزه به صورت (فَارَّقُوا) قرائت کرده‌اند (ابن جزری، انشرفی قراءات العشر، بی تا: ۲/ ۲۶۶). علامه پس از ذکر قرائات مختلف آیه، از اظهار نظر در نقد و یا ترجیح یکی از دو قرائت خودداری کرده است.

ج ﴿قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (بقره/۱۲۶)

قرائت رایج: فَأُمَتِّعُهُ

قرائت غیر متداول: فَأُمَّتِّعُهُ

ابن عامر (فَأُمَّتِّعُهُ) را به سکون میم (از باب افعال) قرائت کرده و سایر قراء با تشدید، به فتح میم



(باب تفعیل) قرائت کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱/۳۸۵) علامه در زیر این آیه بعد از نقل قرائات گوناگون آیه می‌نویسد (فامتعه) به صورت باب افعال و تفعیل قرائت شده و امتاع و تمتیع به یک معناست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۱/۲۸۲).

د ﴿وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائُهُمْ لِيَرُدُّوهُمْ وَ لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾ (انعام/۱۳۷)

قرائت رایج: زَيْنَ - قَتَلَ - أَوْلَادَهُمْ - شُرَكَائُهُمْ

قرائت غیر متداول: زَيْنَ - قَتُلُ - أَوْلَادَهُمْ - شُرَكَائُهُمْ

المیزان: غیر از ابن عامر سایر قراء کلمه "زین" را به فتح زاء و به صیغه معلوم خوانده و کلمه "قتل" را هم به فتح لام قرائت نموده و آن را مفعول "زین" گرفته‌اند، و کلمه "اولادهم" را به کسر دال خوانده و آن را مضاف الیه کلمه "قتل" و مفعول آن دانسته و کلمه "شُرَكَائُهُمْ" را فاعل "زین" گرفته‌اند، و بنابراین قرائت معنای آیه چنین می‌شود: "بت‌ها با محبوبیت و واقعیتی که در دل‌های مشرکین داشتند، فرزندکشی را در نظر بسیاری از آنان زینت داده و تا آنجا در دل‌های آنان نفوذ پیدا کرده بودند که فرزندان خود را به منظور تقرب به آن‌ها برای آن‌ها قربانی می‌کردند" هم چنان‌که تاریخ این مطلب را درباره بت‌پرستان و ستاره‌پرستان قدیم نیز ضبط کرده است، البته باید دانست که این قربانی‌ها غیر از موءوده‌هایی است که در بنی تمیم معمول بوده، زیرا موءوده عبارت بوده از دخترانی که زنده‌به‌گور می‌شدند، و آیه شریفه دارد که اولاد خود را قربانی می‌کردند، و اولاد هم شامل دختران می‌شود و هم شامل پسران. و اما ابن عامر در میان قراء کلمه "زین" را به ضم زاء قرائت کرده و صیغه مزبور را مبنی بر مفعول و کلمه "قتل" را به ضم لام و نائب از فاعل "زین" و کلمه "اولادهم" را به نصب و مفعول "قتل" گرفته و کلمه "شُرَكَائُهُمْ" را به صدای زیر و مضاف الیه قتل و فاعل آن دانسته و کلمه "اولادهم" را فاصله بین مضاف (قتل) و مضاف الیه (شُرَكَائُهُمْ) انداخته است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸: ۷/۴۹۷).

## نتیجه

در روند این پژوهش روشن گردید که مسئله اختلاف قرائات در المیزان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به این معنی که علامه در ترجیح برخی از قرائات از معیارها و الگوهایی استفاده نموده است که این معیارها می‌تواند به عنوان الگویی مناسب در موارد دیگر مورد استفاده قرار گیرد و از طرفی برداشت‌های



معنایی متفاوت از قرائتی خاص، تأثیر اختلاف قرائات در تفسیر آیات را به خوبی نشان می‌دهد. علامه با رویکرد نقد و بررسی قرائات، انحصار حجیت در قرائت رایج را به چالش کشیده و ذهن مخاطب را به واکاوی در مورد قرائات مختلف برمی‌انگیزد. در بینش علامه توجه به سیاق و فحوای آیه در انتخاب صحت قرائت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه قرائت اصلی آیات قرآن، یک قرائت بیشتر نبوده که خداوند آن را بر پیامبر ﷺ نازل کرده، و این قرائت در میان سایر قرائات پنهان است، مفسر باید بکوشد با استفاده از قواعد زبان عربی و فحوای آیات به این قرائت درست دست یابد. عدم دسترسی به دلایل متقن از مهم‌ترین عواملی است که باعث عدم ترجیح قرائات بر یکدیگر شده است.



نمودار ۱: گونه‌شناسی شیوه مواجهه علامه با مسئله اختلاف قرائات



## منابع

۱. قرآن، ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات بین المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۵.
۳. ابن جزری، عبدالرحمان بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، دارالکتب العربی، بیروت: ۱۴۲۱.
۴. —، النشر فی القراءات العشر، دارالکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
۵. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۲.
۶. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، فهرست ابن النذیم، تحقیق رضا تجدد، بی نا، بی جا: بی تا.
۷. ابوشامه، عبدالرحمن، ابراز المعانی من حرز الامانی، البانی، قاهره: ۱۳۹۵.
۸. احتشامی، علی حسین، «معیارها و اسلوب های اختیار در گزینش قرائت صحیح و آثار آن»، پژوهش دینی، شماره ۴۰، ۱۳۹۹.
۹. استادی، کاظم، «ارتباط اختلاف قرائات با تحریف قرآن»، پژوهش های قرآنی، شماره ۷۴، ۱۳۹۴.
۱۰. اکبرنژاد، مهدی، «بررسی تاثیر اختلاف قرائات در برداشت های تفسیری مجمع البیان»، مطالعات قرآن و حدیث. ۱۳۹۲.
۱۱. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، دارالفکر، بیروت: ۱۴۲۰.
۱۲. اهوازی، ابوالحسن بن علی، الوجیز، دارالفکر، بیروت: ۲۰۰۲.
۱۳. بروجرودی، میرزا مهدی، برهان روشن (البرهان علی عدم تحریف القرآن) بی نا، تهران: ۱۳۷۴.
۱۴. البلاغی النجفی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، قم: ۱۴۲۰ ق.
۱۵. بهجت پور، عبدالکریم، «تبیین روش مند و علمی بودن بی تأثیری اختلاف قرائات بر تحریف قرآن»، آموزه های قرآنی، شماره ۳۰، ۱۳۹۸.



۱۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸.
۱۷. جعفری، رسول محمد، «بررسی کارکرد سیاق در المیزان»، فصلنامه پژوهشی مطالعات فهم حدیث، شماره دوم، ۱۳۹۵.
۱۸. خامه‌گر، محمد، «روش شناسی رویکرد علامه طباطبایی در اختلاف قرائات»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷۰، ۱۳۹۱.
۱۹. خطیب، عبداللطیف، معجم القراءات، دار سعدالدین، دمشق: ۱۴۲۲.
۲۰. خوئی، السیدأبولقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، دار الزهراء للطباعة والنشر و التوزیع، بیروت: چاپ چهارم، ۱۳۹۵.
۲۱. دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، التیسیر فی القرائات السبع، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۶.
۲۲. —، جامع البیان فی قراءات السبع، جامعه الشارقة، امارات: ۱۴۲۸.
۲۳. دمیاطی، احمد بن محمد، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعه عشر، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۲.
۲۴. دیمه‌کار گراب، محسن؛ ایروانی نجفی، مرتضی، «روش علامه طباطبایی در مواجهه با اختلاف قرائات در المیزان»، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۱۲، ۱۳۹۴.
۲۵. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۳.
۲۶. زرکشی، بدرالدین، محمد بن عبدالله، البرهان فی العلوم القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۰۸.
۲۷. ستوده‌نیا، محمدرضا، «طبقه‌بندی و تحلیل آراء فقیهان شیعه در حوزه اختلاف قرائات»، کتاب قیم، شماره ۱۷، ۱۳۹۶.
۲۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴.
۲۹. صدر، سید محمدباقر، دروس فی علم الاصول، دارالکتب اللبنانی، بیروت: ۱۴۰۶.
۳۰. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم: ۱۳۷۸.
۳۱. —، قرآن در اسلام، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۵۳.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت: ۱۴۰۶.





٣٣. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ١٤١٢.
٣٤. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
٣٥. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، به کوشش: سید هاشم رسولی، چاپخانه علمیه، تهران: ١٣٨٠.
٣٦. فاکر میبدی، محمد، «اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبائی»، دوفصل نامه قرآن شناخت، سال هفتم، ١٣٩٣.
٣٧. فضلی، عبدالهادی، القراءات القرآنیة، دارالقلم، بی جا: ١٤٠٥.
٣٨. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، موسسه دارالکتاب، قم: ١٤٠٤.
٣٩. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه و شرح: محمدباقر کمره ای، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ دوم، ١٤٠٧ ق.
٤٠. متولی، عبد الحمید محمود، أضواء علی مناهج بعض المفسرین من زوايا علوم القرآن، اسلامیه، بیروت: ١٤٢٠.
٤١. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه الدرر اخبار الاثمه الاطهار عليه السلام، موسسه الوفاء، بیروت: ١٤٠٤.
٤٢. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، موسسه النشر الاسلامی، قم: ١٤١٥.
٤٣. مؤدب، سید رضا، «تفسیر المیزان و قرائات غیر متداول»، نشریه معرفت، شماره ٢١٤، ١٣٩٣.
٤٤. —، مبانی تفسیر قرآن، دانشگاه قم، قم: چاپ دوم، ١٣٩٠.
٤٥. واسطی، عبدالله بن عبدالمومن، الكنز فی القراءات العشر، مکتبه الثقافه الدینیة، قاهره: ١٤٢٥.



## Resources

۱. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Isfahani and A Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: ۲nd Edition, ۲۰۰۹.
۲. Abu Shammah, Abdul Rahman, Ibrah al-Ma'ani min Hirz al-Amani, Al-Albani, Cairo: ۲۰۱۶.
۳. Ahwazi, Abul Hassan bin Ali, Al-Wajiz (A Concise), Dar al-Fikr, Beirut: ۲۰۰۲.
۴. Akbarnejad, Mehdi, "A Study of the Effect of Differences in Recitations on the Interpretive Comprehension of Majma' al-Bayan", Quran and Hadith Studies. ۲۰۱۳.
۵. Al-Balaghi Al-Najafi, Muhammad Jawad, Ala' al-Rahman fi Tafsir al-Quran (The Divine Bounties in the Exegesis of Quran), Be' that Foundation, Qom: ۱۴۲۰ AH.
۶. Alusi, Seyyed Mahmoud, Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qurn al-'Azim (The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Quran), Dar Al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۱۵ AH.
۷. Andalusi, Abu Hayyan Muhammad bin Yusuf, Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir, Dar al-Fikr, Beirut: ۱۴۲۰.
۸. Ayashi, Muhammad bin Massoud, Tafsir al-Ayashi, Prepared by Seyyed Hashim Rasouli, Ilmiyyah Press, Tehran: ۲۰۰۱.
۹. Baydhawi, Abdullah bin Umar, Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil (The Lights of Revelation and the Secrets of Hermeneutic), Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۱۸ AH.
۱۰. Behjatpour, Abdolkarim, "Explaining the Methodical and Scientific Ineffectiveness of Differences in Recitations on the Distortion of the Quran", Quranic Teachings, No. ۳۰, ۲۰۱۹.
۱۱. Boroujerdi, Mirza Mehdi, Burhan Roshan (The Clear Demonstration) (Argument on the Non-distortion of the Quran), n.p., Tehran: ۱۹۹۵.



١٢. Damiaty, Ahmad bin Muhammad, Ithaf Fuzala al-Bashar fi al-Qira'at al-Arba'ah Ashar (The Presentation of Noble Persons about the Fourteen Recitations), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ١٤٢٢ AH.
١٣. Dani, Abu Amr Uthman bin Saeed, Al-Taysir fi al-Qira'at al-Sab' (The Seven Recitations Made Easy), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ١٤٢٦.
١٤. Dani, Abu Amr Uthman bin Saeed, Jame' al-Bayan fi Qira'at al-Sab' (A Comprehensive Discussion on the Seven Recitation), Jamia'h al-Shariqah, Emirates, ١٤٢٨ AH.
١٥. Demekar Grab, Mohsin; Iravani Najafi, Murtaza, "Allama Tabatabai's Method in Dealing with Differences in Recitations in Al-Mizan", Quarterly Journal of Quranic and Hadith Sciences, No. ١٢, ٢٠١٥.
١٦. Fadhli, Abdul Hadi, Quranic Recitations, Dar al-Qalam, N.p.: ١٤٠٥.
١٧. Faker Meybodi, Muhammad, "The Difference in Recitations and Its Role in Interpretation from the Perspective of Allama Tabatabai", Bi-Quarterly Journal of Quranic Sciences, Year: ٠٧, ٢٠١٤.
١٨. Ibn al-Jazari, Abd al-Rahman bin Ali, Al-Nashr fi al-Qira'at al-Ashr (A Work on the Ten Recitations), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: n.d.
١٩. Ibn al-Jazari, Abd al-Rahman bin Ali, Zad al-Masir fi 'Ilm al-Tafsir (The Provision of the Sciences of Exegesis), Researched by Abd al-Razzaq Mahdi, Dar al-Kutub al-Arabi, Beirut: ١٤٢١ AH.
٢٠. Ibn Atiyyah Andalusy, Abdul Haq bin Ghalib, Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz (A Concise Research on the Exegesis of Holy Book of Quran), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ١٤٢٢ AH.
٢١. Ibn Nadim, Muhammad bin Ishaq, Al-Fihrist of Ibn al-Nadim, Researched by Reza Tajaddad, n.p., N.p.: n.d.
٢٢. Ihtishami, Ali Hossein, "The Criteria and Methods of Authority in Choosing the Correct Recitation and its Effects", Religious Research, No. ٤٠, ٢٠٢٠.
٢٣. Jafari, Rasoul Muhammad, "A Study of the Function of Context in Al-Mizan", Quarterly Journal of Hadith Comprehension Studies, No. ٢, ٢٠١٦.



۲۴. Khomehgar, Muhammad, “Methodology of Allama Tabatabai’s Approach in the Difference of Recitations”, Quranic Researches, No. ۷۰, ۲۰۱۲.
۲۵. Khatib, Abdul Latif, Dictionary of Recitations, Dar Sa’d al-Din, Damascus: ۱۴۲۲.
۲۶. Khoei, Al-Seyyed Abu al-Qasim, Al-Bayan fi Tafsir al-Quran (A Clarification in the Exegesis of Quran), Dar Al-Zahra for Printing, Publishing and Distribution, Beirut: Fourth Edition, ۲۰۱۶.
۲۷. Kulayni, Muhammad bin Ya’qub, Al-Kafi, Translated and Commented by Muhammad Baqir Komraei, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۲nd Edition, ۱۴۰۷ AH.
۲۸. Ma’refat, Muhammad Hadi, Al-Tamhid fi Uloom al-Quran (An Introduction to Quranic Sciences), Muassasah al-Nashr al-Islami, Qom: ۱۴۱۵.
۲۹. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar al-Jami’ah li Durar Akhbar al-Aimah al-Athar (The Oceans of Lights Comprising the Pearls of Narrations from Holy Imams (AS)), Muassasah al-Wafa, Beirut: ۱۴۰۴.
۳۰. Moaddab, Seyyed Reza, “Tafsir al-Mizan and Unusual Recitations”, Ma’aref Magazine, No. ۲۱۴. ۱۳۹۳.
۳۱. Moaddab, Seyyed Reza, The Foundations of Quranic Interpretation, Qom University, Qom: ۲nd Edition, ۲۰۱۱.
۳۲. Mutawalli, Abd al-Hamid Mahmoud, Adhwa ali Manahij Ba’dh al-Mufasssir in min Zawaya Ulum al-Quran (A Glimpse at the Methods of Some Interpreters from the Angles of Quranic Sciences, Islamiyyah, Beirut: ۱۴۲۰.
۳۳. Qomi, Ali bin Ibrahim, Tafsir al-Qomi, Muassasah Dar al-Kitab, Qom: ۱۴۰۴.
۳۴. Rajabi, Mahmoud, The Method of Quranic Interpretation, Research Institute of Seminary/ Hawzeh and University, Qom: ۲۰۰۴.
۳۵. Sadr, Seyyed Muhammad Baqir, Lessons on the Science of Principles of Jurisprudence, Dar al-Kitab al-Lubnani, Beirut: ۱۴۰۶.
۳۶. Sutudehnia, Muhammad Reza, “Classification and Analysis of the Views of Shiite Jurists on the Differences in Recitations”, Ketab e Qayyim, No. ۱۷, ۲۰۱۷.



٣٧. Suyuti, Jalaluddin Abdul Rahman, Al-Durr al-Manthur fi Tafsir bi al-Ma'thur (The Scattered Pearl in the Exegesis of Holy Book by Narrations), Ayatullah Mara'shi Najafi Library Publications, Qom: ١٤٠٤ AH.
٣٨. Tabari, Muhammad bin Jarir, Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (A Comprehensive Statement on the Exegesis of Quran), Dar al-Ma'rifah, Beirut: ١٤١٢ AH.
٣٩. Tabarsi, Fadhl bin Hassan, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (A Confluence of Expressions Concerning the Interpretation of Quran), Dar al-Ma'rifah, Beirut: ١٤٠٦.
٤٠. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Translated by Seyyed Muhammad Baqir Mousavi Hamadani, Dar Nashr Intisharat Islami Affiliated to Jamiah Mudarrisin, Qom: ١٩٩٩.
٤١. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, The Quran in Islam, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ١٩٧٤.
٤٢. Tusi, Muhammad bin Hassan, Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (A Clarification Concerning the Interpretation of Quran), Researched by Ahmad Qusair Amili, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
٤٣. Ustadi, Kazim, "The Relationship between the Difference of Recitations and the Distortion of the Quran", Quranic Researches, No. ١٤, ٢٠١٥.
٤٤. Wasiti, Abdullah bin Abd al-Mu'min, Al-Kanz fi al-Qira'at al-Ashr (A Treasure of the Ten Recitations), Maktabah al-Thaqafah al-Diniyah, Cairo: ١٤٢٥.
٤٥. Zarkashi, Badruddin, Muhammad bin Abdullah, Al-Burhan fi Uloom al-Quran (A Demonstration in Quranic Sciences), Dar Al-Ma'rifah, Beirut: ١٤٠٨.